

ماجرای نجات متبرکی امام زمان به حاج آقا مجتبی تهرانی

استاد فقید اخلاق مرحوم آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی در یکی از سخنرانی هایشان به نقل ماجرای نجات متبرکی امام زمان (عج) که به ایشان رسیده بود، پرداختند.

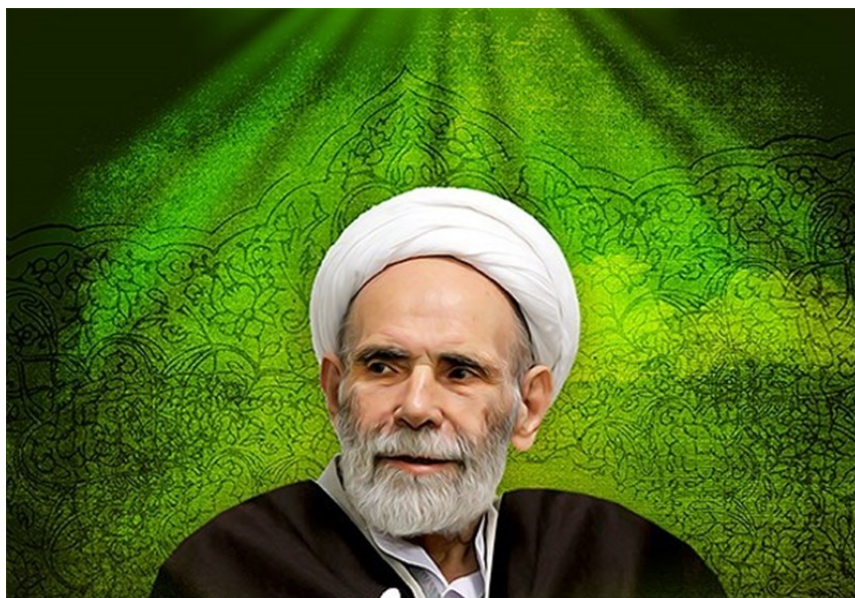
بسم رب المهدی (عج)

به گزارش دست نوشته های معارفی امیر محسن سلطان احمدی (سلطان احمدی دات آی آر): ۱۳ دیماه برابر با غروب عالم عامل، استاد اخلاق مرحوم آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی (رض) است، هنوز بعد از سالها از ارتحال ایشان، سنگینی داغ این مصیبت بر شانه های پایتخت سنگینی می کند و داغ فراقشان تازه است.

هنوز چهارشنبه های نورانی خیابان ایران و بهره از محضرش را فراموش نکرده ام. جلساتی که همواره ایجاد انقلاب درونی می نمود و کمتر کسی چنین توانایی در مستمع را ایجاد می نمود که این خود نشان از عمق معنویت و خلوص نیت حاج آقا بود و می توان به طور قطع گفت ایشان با توسل و توجه این جلسات را اداره می کردند و قبل از بیان، خودشان ابتدا عامل به آن گفته بودند.

با غروب ایشان پایتخت نشینان یتیم شدند و سایه این یتیمی روز به روز و سال به سال بیشتر شد و هر سال نیز عالمی دیگر از جنس ایشان را از دست دادیم و امسال نیز سوگوار و داغدار داغی عظیم و ارتحال برادر بزرگوارشان مرحوم حاج آقا مرتضی شدیم.

از سوی موسسه نشر آثار حاج آقا مجتبی تهرانی (موسسه مصابیح الهدی) آثار ایشان منتشر شده و علاقمندان می توانند از این آثار بهره مند شوند، که یکی از این آثار جذاب و خوب کتاب حاج آقا مجتبی است که در این کتاب علاوه بر زندگی نامه ایشان، راویان مختلفی خاطرات خود را از حاج آقا مجتبی بیان نمودند، که در این بین ماجرای نجات متبرکی امام زمان (عج) به حاج آقا مجتبی است، که بیان این ماجرا در آستانه سالگرد ارتحالشان، خالی از لطف نیست.



حاج آقا مجتبیٰ تهرانی درباره این ماجرا فرمودند: کسی بود که من شبی از او یادم هست و از اولیا خاص خدا بود، که علمای تهران به او سرسپرده بودند، و من بچه بودم و ایشان به منزل ما می آمد، و همه می دانستند ایشان خدمت امام زمان (عج) رسیده است و حضرت خودشان سراغ او می آیند.

و این فرد (شیخ عبدالکریم پینه دوز) پینه دوز بود و کفش و گیوه تعمیر می کرد و وضع کذایی داشت و من از یکی از بزرگان (منظور مرحوم والدشان مرحوم آیت الله حاج میرزا عبدالعلی تهرانی) شنیدم که بعضی از شبهای جمعه امام زمان صلوات الله علیه می آمدند پیش این شخص، و خود این شخص نقل کرده بود که یک دفعه حضرت تشریف آوردند و به من فرمودند فلانی می آیی برویم کربلا؟ گفتم بله آقا، می گوید در خدمت حضرت رفتیم کربلا، و نقل کرده بود که چگونه رفتیم و چه قضایایی اتفاق افتاد تا رسیدیم به کربلا بعد هم رفتیم حرم امام حسین صلوات الله علیه و زیارت کردیم و بعد هم برگشتیم و رفت و برگشتمان هم مثلاً یک ساعت هم نشد.

یک وقتی یک تکه نباتی را که ظاهراً امام زمان صلوات الله علیه به این شخص داده بودند را او به منزل ما آورده بود که یک مقداری از آن نبات هم نصیب من شد. و من هم یک وقتی این را عرض کردم که من بعید می دانم خداوند متعال در روز قیامت بدن من را بواسطه آن نباتی که از آن طریق به من رسیده است در آتش جهنم بسوزاند گرچه من آن موقع کوچک و بچه بودم.

شیخ عبدالکریم پینه دوز کیست؟

اما حجت الاسلام هاشمی نژاد در مورد توضیح این ماجرا و شخصیت شیخ عبدالکریم پینه دوز در کتاب حاج آقا مجتبی، نقل نموده که مرحوم آیت الله میرزا عبدالعلی تهرانی، والد حاج آقا مجتبی، گاهی به مغازه یک عالم اهل معنا به نام سید عبدالکریم کفاش در انتهای بازار آهنگرها می رفتند که به سید عبدالکریم پینه دوز معروف بود.

این سید با اینکه روحانی بود و اهل علم، ولی از طریق پینه دوزی و کفش دوختن در مغازه کوچک خویش امرار معاش می کرد، و در بین علما مشهور بود که وجود مقدس مولا صاحب الزمان(عج) به ایشان توجه خاص دارند و گاهی به حجره او هم سر می زنند. و بعد حجت الاسلام هاشمی نژاد به ماجرای نیات متبرکی اشاره نمودند و در ادامه گفتند که حاج آقا مجتبی می فرمودند: هنوز حلاوت آن نیات در کام من است و من فکر نمی کنم که خدا بدن مرا به آتش بسوزاند چرا که در آن تبرکی از امام زمان(عج) وجود دارد.

و سپس آقای مقدم نقل کرده که حاج آقا مجتبی درباره شخصیت شیخ عبدالکریم پینه دوز بیان کردند که پدرشان فرمودند من با سید کریم پینه دوز رفیق بودم، و یک روز به سید کریم گفتم: تو چه کار کردی که با امام زمان(عج) دوست هستی؟ و حضرت پیش شما تشریف می آورند؟ سید کریم پینه دوز هم گفت: من این سوال را از خود حضرت کردم و حضرت فرمودند: به خاطر این که با نفست مبارزه کردی، هر چه نفس است زدی کنار و آن را که خدا خواسته عمل کردی. بعد حاج آقا مجتبی گفتند اگر پدرم این حرف را نمیزد من نمی گفتم.

بنابراین بی دلیل نبوده که کلام حاج آقا مجتبی این چنین بر تمام قلوب تاثیر گذار بود و باعث یک انقلاب، یک جرقه، یک دگرگونی در درون انسان می شد و انسان را به خدا نزدیک و پیوند می داد.

یادآور می شود که مرحوم آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی از علمای اخلاق تهران در ۱۱ دیماه ۹۱ در آستانه اربعین حسینی آن سال دارفانی را وداع نمود و در ۱۳ دیماه بعد از یک تشیع باشکوه بر دوش مردم قدرشناس تهران در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسین(ع) به خاک سپرده شد.

پدیدآورنده:

به کوشش: **امیر محسن سلطان احمدی**

www.soltanahmadi.ir

این ماجرا را عینا از زبان حاج آقا مجتبی بشنوید:

http://s9.picofile.com/d/8347856200/830ba521-c4aa-4fc0-b4f4-245dd7dbba62/%D9%82%D8%B6%DB%8C%D9%87_%D9%86%D8%A8%D8%A7%D8%AA_%D9%85%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DA%A9_%D8%A8%D9%87_%D8%AF%D8%B3%D8%AA_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86.mp3

دانلود

منابع:

کتاب حاج آقا مجتبی (زندگی نامه و خاطراتی از ایشان) از موسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی (دفتر نشر آثار حاج آقا مجتبی)

www.mojtabatehrani.ir